

ویژنامه انتخاباتی گفتمان انقلاب اسلامی

بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام

سه‌شنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۲ شماره نخست



## شها از اتوبوس انقلاب پیاده نشده‌اید!

### صلاحیت، مصلحت و تصبیم بزرگ آیت الله

طبق قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان به شرح زیر می‌باشد:  
ماده ۵۳. انتخاب‌شوندگان هنگام ثبت نام باید دارای شرایط زیر باشند:

۱. از رجال مذهبی، سیاسی
۲. ایرانی‌الاصل
۳. تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران
۴. مدیر و مدبر
۵. دارای حسن سابقه و امانت و تقوی
۶. مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور

ماده ۶۳. انتخاب‌کنندگان باید دارای شرایط ذیل باشند:

۱. تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران.
۲. ۸۱ سال تمام [۱]
۳. عدم جنون

کاندیدای ثبت نام شده برای ریاست جمهوری باید شرایط فوق را دارا باشد، اما اولین سوالی که به ذهن خواننده می‌رسد این است که شاخص تشخیص این شرایط چیست؟ یعنی مدیر و مدبر بودن را چگونه می‌توان در یک نفر تشخیص داد؟

پاسخ به این سؤال نیازمند یک مقدمه می‌باشد و آن این که، در هر نظام و ساختاری طراحان آن ساختار تصمیم می‌گیرند که چه کسی و با چه معیارهایی می‌تواند در مقام اول اجرایی کشور قرار گیرد؛ مثلاً در آمریکا تنها نماینده دو حزب مطرح می‌توانند کاندیدا و در نهایت رئیس جمهور شوند. در ایران هم قانون‌گذار تعیین کرده است که در نظام جمهوری اسلامی ایران کسی می‌تواند رئیس جمهور شود که ویژگی کلی مطرح در قانون انتخابات را داشته باشد و احراز این ویژگی‌ها بر عهده نهادی است قانونی به نام شورای نگهبان.

ادامه در صفحه ۴

این روزها درباره پیامدهایی که با عدم احراز صلاحیت برخی نامزدها، جامعه با آن مواجه خواهد شد، بسیار شنیده‌ایم. هرچند طرح این موضوع در جای خود لازم و ضروری است، این بار به نظر می‌رسد ناظر به نامزدها و اطرافیان آنها نکاتی قابل ذکر باشد:

۱- سالیان گذشته مبنای شورای نگهبان برای تأیید نامزدها، عدم وجود خلاف در سابقه و ویژگی‌های او بوده است. به عبارت دیگر بررسی می‌شده است که فرد به لحاظ سابقه، خلافی در پرونده نداشته و در مدیریت و نیز التزام او به مبانی نظام اسلامی مورد نقضی مشاهده نشود. یعنی تأیید فرد به معنای رد صلاحیت نشدن او بوده است. اما در دوره اخیر این مبنا به احراز صلاحیت تغییر یافته است. به عبارت دیگر باید وجود شرایط عمومی در فرد مشخص و اثبات گردد. یعنی باید توان مدیریت و تدبیر، اعتقاد و التزام به مبانی نظام اسلامی، برجستگی سیاسی و نیز حسن سابقه برای فرد احراز و اثبات شود. در این صورت عدم احراز صلاحیت فرد به معنای حقیقی، به معنای رد صلاحیت او و یا داشتن موردی خلاف در پرونده اش نخواهد بود. نیکوست گفته شود آن شخص برای تصدی پست ریاست جمهوری در شرایط فعلی از ویژگی لازم برخوردار نبوده و این نکته شاید حتی به

توان اجرایی و جسمی او بازگردد. چه بسا آن شخص بهترین گزینه باشد برای وزارت و یا حتی ریاست مجلس یا یک شورای عالی.  
۲- حضور در عرصه رقابت انتخاباتی برای همه کاندیداها و از سوی همه سلیقه به معنای پذیرفتن تمامی شرایط و الزامات آن است. یکی از مهمترین سازوکارهای انتخاباتی در نظام اسلامی نیز گذر از فیلتر شورای نگهبان است. شورای نگهبان بر اساس قانون وظیفه دارد تا نامزدها را بر حسب ویژگی‌های مزبور در اصل ۵۱۱ قانون اساسی بررسی کرده و تأیید کند. تمکین از قانون و نظر شورای نگهبان همان چیزی است که خیلی از اوقات ممکن است حتی بر خلاف خواسته شخصی، حزبی و گروهی افراد باشد.  
۳- فرآیند انتخاب اصلاح در هر انتخابی، از میان گزینه‌های موجود است. یعنی شاید خیلی از اوقات شخص ایده آل از نگاه ما از اساس در میان افراد موجود حاضر نباشد. اما آن چه واضح است حضور و مشارکت در امر انتخابی است که سرانجام یک فرد از آن برگزیده خواهد شد. این مهم شاید این بار گریبان‌گیر برخی از جماعت حزب‌الله هم شده باشد و آن این که گزینه‌ای را به عنوان اصلاح شناخته بودند که امروز دیگر

در میان گردونه رقابت حاضر نیست.  
۴- حفظ نظام اسلامی و تلاش برای هرچه پرشورتر برگزار کردن انتخابات و تحقق شعار «حماسه سیاسی» و نیز کوشش برای ترویج گفتمان انقلاب اسلامی چیزی است که امت حزب‌الله با هر سلیقه‌ای باید در جهت آن برآید و پرچم «مقاومت» در برابر سلطه بیگانگان و نیز فتنه و انحراف را با تمام توان برافراشته کند. حال این که پرچمدار امروز این گفتمان هر که می‌خواهد باشد؛ هرچند مطابق میل و نظر برخی دیگر نباشد. نکند با رفتارهایی که بوی قهر از نظام اسلامی بدهد، آب به آسیاب دشمن ریخته و رقابت مؤمنانه در کام ملت به تلخی گراید. دور نیست روزگاری که دلسوزان برای حفظ نظام حتی در مقابل دولت‌هایی که علناً شعار ضد ارزش می‌دادند، صبر انقلابی می‌کردند و دور نیست روزگاری که امیر مؤمنان برای حفظ اسلام، حتی حاضر به تمکین در برابر غاصبان حکومت شد. چه رسد به آن که پرچم گفتمان انقلاب اسلامی تنها از سوی شخصی دیگر برافراشته شود.  
نکند برخی از میان امت حزب‌الله با توهم انقلابی‌گری، طوری موضع‌گیری کرده و رفتار کنند که یکی از مهمترین ارکان نظام اسلامی (شورای نگهبان) و به تبع آن اصل نظام را تضعیف کنند.



## پایان خوش یک انتخابات!

۱- شاید این اولین بار نباشد که رئیس جمهور کشوری چه علنی و چه از عمق دل، خواهان ماندن بر «کرسی قدرت» باشد. شاید هم اسمش را بتوان چیز دیگری مانند «فرصت خدمت» نهاد، اما در هر حال نتیجه یکسان است. از طرح بحث تمدید مهلت ریاست جمهوری و تغییر قانون اساسی در اواخر دوره سازندگی تا کاندیداتوری افرادی نظیر معین در سال ۸۴ و این اواخر هم ورود شخصیت خبرساز تحت الحمایه احمدی نژاد به عرصه انتخابات.

در مورد اخیر ماجرا کمی متفاوت است. این بار شخص رئیس جمهور، تمام قد در کنار یکی از کاندیداها ایستاده است. اما ذیل آن نکاتی قابل ذکر به نظر می‌رسد: نخست آن که شخص مورد نظر به اذعان قاطبه صاحب نظران از صلاحیت ریاست جمهوری برخوردار نیست. دیگر آن که کاندیداهای دیگری که منتسب به دولت بوده‌اند، همگی یا بلافاصله پس از ثبت نام گزینه اصلی و یا پس از چندی انصراف داده‌اند. بهتر آن است که تصور کنیم آن‌ها به اختیار خود به نفع نامزد اصلی کنار رفته‌اند. سوم آن که فرد مزبور، گزینه دولت نبوده بلکه باید او را صراحتاً نامزد شخص رئیس جمهور دانست؛ چیزی که برخی از وزرا نیز به آن اذعان داشته‌اند. چهارم نیز آن که گزینه‌های منتسب به دولت چه با نظر رئیس جمهور و چه بدون اطلاع وی، همگی کسانی بودند که تقریباً رد صلاحیتشان قطعی به نظر می‌رسید. به عبارت دیگر عدم حضور برخی گزینه‌های دیگر نظیر «لهاام»، «نیکزاد» یا «ثمره هاشمی» که می‌توانستند گزینه‌های مقبولی از سوی دولت باشند، شبهاتی را دامن‌گیر شد که همگی نشان از یک ماجرای خطرناک می‌داد.

۲- شاید بتوان روز شنبه، ۱۲ اردیبهشت ماه ۲۹ را برای احمدی نژاد، قرار گرفتن در یک راه بی‌سرانجام دانست؛ چیزی شبیه یک انتحار سیاسی! با این کار، احمدی نژاد نشان داد که حتی حاضر است تمام حیثیت و اعتبار و سابقه خود را برای کاندیدای مورد نظرش هزینه کند. از این رو آن چه موجبات نگرانی همگان را فراهم کرد، هزینه‌ای بود که احتمال دارد احمدی نژاد نه به عنوان احمدی نژاد، بلکه به عنوان رئیس جمهور به نظام تحمیل کند. حرف

رهبری حکیم، کشور را به سلامت از پیچ و خم حوادث عبور نداده است. اتفاقاً نقطه اتکای دشمن در تمامی فتنه‌ها نیز همین رابطه عمیق امام و امت در نظام اسلامی ست. چیزی که هر نقشه شومی را به یک فرصت تاریخی بدل کرده است. واقعیت آن است که نظام اسلامی با گذشت بیش از سه دهه از عمر خود و پشت سرگذاردن فراز و نشیب‌های فراوان بسان فولادی آبدیده می‌ماند که فتنه‌ها جز بر استحکام ارکان و انسجام ملت نخواهد افزود.

در نهایت آن چه نیکوست افرادی که در معرض قرار گرفتن در پازل دشمنان استراتژیک ملت‌اند، در خلوتگاه خود با خدای خود معامله کرده و اعتبار دنیا و آخرت خود را به بی‌تدبیری چندروزه نفروشدند. چرا که بسیاری آن‌هایی که قدم در این راه ناتمام گذاشتند و قصه «انتحار سیاسی» خود را تا افتادن در قعر پرتگاه نفرت ملت و طرد شدن از دایره انقلاب سرودند. البته باید بدانند که فضل و رحمت امام و امت آن قدر بوده و هست که آغوش خود را همواره پذیرای آن‌ها نشان دهد؛ لکن اگر خودشان را در آغوش ملت افکنده و از خطاهای خود عذر تقصیر بخواهند.

تا نزاع‌های جدایی طلبان و جنگ هشت ساله، تا غائله ۴۱ اسفند ۹۵ و نیز فرار مسعود رجوی و بنی‌صدر و همچنین عزل قائم مقام رهبری در سال‌های آغازین پس از پیروزی انقلاب تا رد صلاحیت گسترده نمایندگان و تحصن مجلس ششم و نیز آشوب‌های اجتماعی نظیر کوی دانشگاه. آخرین آن‌ها نیز به عنوان فتنه ۸۸ در تاریخ ثبت شد تا برگ افتخارآفرین دیگری باشد برای ملت و سرشکستگی برخی خواص. نظام هم به پشتوانه مردم نشان داد که از مواجهه قانونی و محاکمه اصحاب فتنه ابایی ندارد، به گونه‌ای که پس از آن، برخی از آن‌ها تا ابد جایگاه خود را در اذهان مردم از دست دادند. این‌ها همه بخشی از مسائلی‌ست که هر کدام به تنهایی قادر به براندازی یک حکومت انسجام یافته بوده است.

حال آن که چیزی جز پشتیبانی مردم و ایستادگی آن‌ها بر سر آرمان‌ها و ارزش‌های خود (که از اساس برای آن انقلاب کرده بودند) و البته هدایت و تدبیر

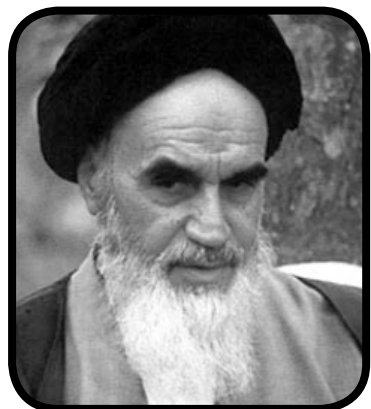
و حدیث‌های بسیاری هم در پیش بینی این مورد به میان آمد. از برگزار نکردن و یا تعویق در زمان انتخابات تا برکناری وزیر کشور و از حد نصاب‌انداختن کابینه تا آغاز به افشاگری پرونده اشخاص و مسؤولین مملکتی و تا حتی اقدام به یک تقلب بزرگ و سازماندهی شده! (چیزی که حتی یک درصد هم احتمال نخواهد داشت).

جالب آن که همه این‌ها چیزی جز پیمودن یک راه ناتمام برای احمدی نژاد پیش‌بینی نمی‌کند. آن چیزی که خاتمه‌اش با عدم مقبولیت از طرف مردم و شاید عدم کفایت رئیس جمهور از سوی مجلس همراه خواهد بود.

۳- گذشته از آن که این پیش‌بینی‌ها چقدر محتمل باشد و اساساً امکان انجام شدن و نیز میزان آسیب‌ها و هزینه‌های آن‌ها برای نظام و ملت چقدر باشد، باید مروری هر چند اجمالی در پس پرده ذهن به تاریخ سی و چند ساله جمهوری اسلامی و حوادث بسیاری که به روی خود دیده است، کرد. از منافقین و گروهک‌های تروریستی

**در مورد اخیر ماجرا کمی متفاوت است. این بار شخص رئیس جمهور، تمام قد در کنار یکی از کاندیداها ایستاده است.**

# گوش به حرف طبقه مرفه مترقی ندهید



حضرت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه در سخنرانی‌ها و پیام‌های مختلفی با تاکید بر فصل الخطاب بودن نظر شورای نگهبان بر لزوم پذیرش آن توسط همه گروه‌ها، احزاب و افراد تاکید ورزیده‌اند. گزیده‌ای از بیانات بنیان‌گذار جمهوری اسلامی درباره تمکین مسئولان، احزاب و گروه‌ها به قانون و فصل الخطاب بودن قانون اساسی و شورای نگهبان به شرح ذیل است:

**شورای نگهبان گوش به حرف عده‌ای که به اصطلاح مترقی هستند ندهد**  
 «شما باید ناظر بر قوانین مجلس باشید، و باید بدانید که به هیچ وجه ملاحظه نکنید. باید قوانین را بررسی نمایید که صددرصد اسلامی باشد. به هیچ وجه گوش به حرف عده‌ای که می‌خواهند یک دسته کوچک مردم ما خوششان بیاید و به اصطلاح مترقی هستند، ندهید، قاطعانه با اینگونه افکار مبارزه کنید. خدا را در نظر بگیرید. اصولاً آنچه که باید در نظر گرفته شود خداست، نه مردم، اگر صد میلیون آدم، اگر تمام مردم دنیا یک طرف بودند و شما دیدید که همه آن‌ها حرفی می‌زنند که بر خلاف حکم قرآن است بایستید و حرف خدا را بزنید، ولو این که تمام بر شما بشورند. انبیا هم همین طور عمل می‌کردند؛ مثلاً موسی در مقابل فرعون مگر غیر از این عمل کرد؟ مگر موافقی داشت. بحمدالله مجلس ما مجلسی است اسلامی و قوانین خلاف اسلام تصویب نخواهد شد؛ ولی شما وظیفه دارید ناظر باشید. خلاصه گوش به حرف طبقه مرفه مترقی ندهید. خدا انشاءالله با ماست. اگر عملمان برای خدا باشد، خدا ما را موفق می‌کند...» (صحیفه امام ج ۳۱ ص ۳۵)

**هرکس بگوید رای شورای نگهبان کذا است، «مفسد» است**  
 «من تکرار می‌کنم مجلس بالاترین مقام است در این مملکت. مجلس اگر رای داد و شورای نگهبان هم آن رای را پذیرفت، هیچ کس حق ندارد یک کلمه راجع به این بگوید. من نمی‌گویم رای خودش را نگوید؛ بگوید؛ رای خودش را بگوید؛ اما اگر بخواهد فساد کند، به مردم بگوید که این شورای نگهبان کذا و این مجلس کذا، این فساد است، و مفسد است یک همچو آدمی، تحت تعقیب «مفسد فی الارض» باید قرار بگیرد. این مجلس ما حاصل خون یک جمعیتی است که وفادار به اسلام بودند؛ و این مجلس عصاره زحمت‌های طاقت‌فرسای این ملت مسلمان بوده است؛ این مجلس فراهم آمده از «الله‌اکبر»‌های مردم است؛ اگر بنا باشد که این مجلس فراهم آمده از «الله‌اکبر» مردم قدمی برخلاف اسلام بگذارد، این مجلس مجلسی خواهد بود که برخلاف مسیر مسلمین عمل کرده، با تمام قدرت، بدون این که ملاحظه از احدی و از مقامی بشود، مجلس باید مسائل را طرح بکند. و رد و بدل و انتقاد صحیح، بدون جار و جنجال، بدون هیاهو، مسائل را بگویند. کسی که مخالف است مخالفت خودش را بدون هیاهو بگوید. آن که موافق است موافقت خودش را بدون جار و جنجال بگوید. و بعد هم رای بگیرند. وقتی رای گرفتند، اگر اکثریت رای داد، و بعد هم برده شد پیش شورای نگهبان و آن‌ها هم صحیح دانستند این رای را، مخالف اسلام ندانستند و مخالف قانون اساسی ندانستند، اگر بعدها بخواهند شیطنت بکنند، این شیطنت‌ها از مبادی غضب، از مبادی فاسد، بیرون می‌آید. باید سر تسلیم به مجلس، یعنی سر تسلیم به اسلام وقتی مخالف اسلام نیست، سر تسلیم به اسلام فرود آورد. روش‌های غیر اسلامی راه اگر

هم در باطن - خدای نخواست - دارند، نباید دیگر اظهار بکنند و نباید اذهان مردم را نسبت به مجلس مشوش کنند. این یک مسئله‌ای است اساسی، و باید همه توجه داشته باشند. به مجرد این که یک مطلبی برخلاف رای یک نفر است، نباید بگویند مجلس درست نیست.» (صحیفه امام ج ۴۱ ص ۰۷۳)

**پس از رأی و انفاذ شورای نگهبان، هیچ مقامی حق رد آن را ندارد**  
 «موضوعات برای احکام ثانویه اسلام نظر خواهی شود که کارها به نحو شایسته انجام گیرد. و این نکته نیز لازم است که تذکر داده شود که رد احکام ثانویه پس از تشخیص موضوع به وسیله عرف کارشناس، با رد احکام اولیه فرقی ندارد، چون هر دو احکام الله می‌باشند. و نیز احکام ثانویه ربطی به اعمال ولایت فقیه ندارد و پس از رای مجلس و انفاذ شورای نگهبان، هیچ مقامی حق رد آن را ندارد، و دولت در اجرای آن باید بدون هیچ ملاحظه‌ای اقدام کند. و با تشخیص دو سوم مجلس شورای اسلامی که مجتمعی از علمای اعلام و مجتهدان و متفکران و متعهدان به اسلام هستند، در موضوعات عرفیه که تشخیص آن با عرف است، با مشورت از کارشناسان، حجت شرعی است که مخالفت با آن بدون حجت قوی‌تر خلاف طریقه عقلاست. چنانچه تغییر احکام اولیه، با شک در موضوع و عدم احراز آن با طریقه عقلا مخالف است. دولت جمهوری اسلامی که متصدی اداره کشور است و در هر پیشامدی موظف است اقدام مقتضی نماید، در وضع کنونی بدون کمک ملت، توانایی رفع تمام گرفتاری‌ها را ندارد و برای اداره نظام جمهوری و دفاع از دشمنان مهاجم و رفع مشکلات جنگ که حجم آن بسیار عظیم است، احتیاج به کمک دارد.» (صحیفه امام ج ۷۱ ص ۱۲۳)

**در تمام مواقعی که مقتضی بوده است، شورای نگهبان را تایید کرده‌ام**  
 «از تحمل زحمت و رنج‌های شما تشکر می‌کنم. شما توقع نداشته باشید که مورد اهانت واقع نشوید. همه می‌دانید تا کسی کاری انجام ندهد کسی به او توهین نمی‌کند. توهین برای کسانی است که می‌خواهند زنده باشند. هیچ کدام از ما نباید انتظار تعریف را داشته باشیم. باید به حکم خدا عمل کنیم و به این هم کاری نداشته باشیم که چه کسی از این کاری که برای خدا می‌کنیم خوشش می‌آید و یا چه کسی بدش می‌آید. من در تمام مواقعی که مقتضی بوده است، مجلس و شورای نگهبان را تایید کرده‌ام. ما باید دست در دست یکدیگر بگذاریم تا یک کشور اسلامی درست کنیم. امروز تبلیغات علیه من و شما نیست، تبلیغات علیه اسلام است. اگر ما با اسلام کاری نداشته باشیم کسی با ما بد نبود. امروز آمریکا و شوروی را که آن قدر در دنیا فساد می‌کنند کسی محکوم نمی‌کند، ولی تمام محکومیت‌ها مال ماست. در دنیا تنها ایران است که مورد سوال است؛ ولی اگر ما وحدت خودمان را حفظ کنیم و هم‌صدا

و هم‌جهت باشیم از هیچ چیز نباید بترسیم.» (صحیفه امام ج ۷۱ ص ۱۴۴)

**افرادی که نظر شورای نگهبان موافق می‌باشند، دست به شایعه افکنی می‌زنند**  
 «چنانچه مشاهده می‌شود پس از انتخابات مرحله اول از دوره دوم مجلس شورای اسلامی، افرادی که نظریه شورای محترم نگهبان در ابطال یا تایید بعضی حوزه‌ها موافق می‌باشند نبوده است دست به شایعه‌افکنی زده و اعضای محترم شورای نگهبان (ایدهم الله تعالی) را که حافظ مصالح اسلام و مسلمین هستند، تضعیف و یا خدای ناکرده توهین می‌نمایند و به پخش اعلامیه و خطابه در مطبوعات و محافل دست زده‌اند غافل از آن که پیامد چنین اعمال و جوسازی‌ها آن هم در دوره دوم مجلس و گذشتن سالی چند از انقلاب چه خواهد بود. امید است چنین اعمال، بی توجه به نتایج ناروا و اسف بار آن باشد.

معلوم نیست در صدر مشروطیت در دوره اول با فقه‌های ناظر به قوانین این نحو عمل شده باشد. در آن زمان به تدریج فقها را از مجلس بیرون راندند و به سر این ملت آن آوردند که دیدیم. من به این آقایان هشدار می‌دهم که تضعیف و توهین به فقه‌های شورای نگهبان امری خطرناک برای کشور و اسلام است. همیشه انحرافات به تدریج در یک رژیم وارد می‌شود و در آخر، رژیمی را ساقط می‌نماید. لازم است همه به طور اکید به مصالح اسلام و مسلمین توجه کنیم و به قوانین، هر چند مخالف نظر و سلیقه شخصی‌مان باشد احترام بگذاریم و به این جمهوری نوپا که مورد هجوم قدرت‌ها و ابرقدرت‌هاست وفادار باشیم. (صحیفه امام ج ۱۳۴ ص ۱۳۴)

**شورای نگهبان حافظ احکام مقدس اسلام و قانون اساسی است**

«شورای نگهبان، مورد تایید این‌جانب می‌باشند. شورای محترم نگهبان، که حافظ احکام مقدس اسلام و قانون اساسی هستند، مورد تایید این‌جانب می‌باشند. و وظیفه آنان بسیار مقدس و مهم است. و باید با قاطعیت به وظایف خود عمل نمایند. البته توجه به اهمیت حفظ نظام جمهوری دارند که با آن هیچ حکم و امری مزاحمت نمی‌کند و برای حفظ آن از هیچ کوششی نباید مضایقه کرد و معلوم است آقایان با تعهدی که دارند تحت تاثیر هیچ جوی واقع نمی‌شوند. ان شاءالله موید باشند.» (صحیفه امام ج ۹۱ ص ۵۵۱)

**نهاد شورای نگهبان به هیچ وجه تضعیف نشده و نخواهد شد**

«ولایت فقیه و حکم حکومتی از احکام اولیه است. نهاد شورای نگهبان همیشه مورد تایید این‌جانب است و به هیچ وجه تضعیف نشده و نخواهد شد. این نهاد باید همیشه با بیداری و هوشیاری در خدمت به اسلام و مسلمین کوشا باشد.» (صحیفه امام ج ۰۲ ص ۷۵۴)

مردم سعی کنند صالح‌ترین را انتخاب کنند. آن کسانی که نامزد ریاست جمهوری می‌شوند و در شورای نگهبان صلاحیت آن‌ها زیر ذره‌بین قرار می‌گیرد و شورای نگهبان صلاحیت آن‌ها را اعلام می‌کند، این‌ها همه‌شان صالحند. اما مهم این است که شما در بین این افراد صالح، بگردید و صالح‌ترین را پیدا کنید. این جا جایی نیست که من و شما بتوانیم به حداقل اکتفاء کنیم؛ دنبال حداکثر باشیم؛ بهترین را انتخاب کنید.



## ادامه از صفحه ۱

اگر بخواهیم تمثیلی از شورای نگهبان در مجامع کوچک داشته باشیم، می‌توانیم به مصاحبه دکتری در جامعه کوچکی به نام دانشگاه اشاره کنیم که فقط دانشجویانی را می‌پذیرند که مورد قبول اساتید آن دانشگاه باشند؛ یعنی یک سری ویژگی‌های کلی وجود دارد، ولی احراز صلاحیت دانشجوی دکتری با اساتید آن دانشگاه است.

اعضای شورای نگهبان برای ویژگی‌های ریاست جمهوری قواعدی تعیین می‌کنند. مثلاً برای رجل سیاسی- مذهبی بودن قواعدی تعیین می‌کنند که البته ممکن است لزومی نداشته باشد که همه مردم از آن باخبر باشند و این قواعد را شخصی قرار می‌دهند نه نوعی. یعنی ویژگی را در فرد مورد سنجش قرار می‌دهند که برای مثال آقای فلان اگرچه دارای پست وزارت بوده، اما توانایی مدیریت ندارد. و لذا ممکن است نامزد انتخابات با اولین نگاه خود را دارای این صفات بدانند، اما تطبیق این صفات بر اشخاص، با نهاد قانونی شورای نگهبان است و اصلاً به عبارتی، نظر اعضای این نهاد در تشخیص صلاحیت‌ها موضوعیت دارد.

اما امروز برای احراز صلاحیت حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی در شورای نگهبان، ضمن این‌که تشخیص این مهم با نظر اعضای شورای نگهبان می‌باشد، به ماده ۵۳ قانون انتخابات اشاره می‌کنیم. به نظر می‌رسد اگر بخواهیم با حسن ظن به کارنامه ایشان نگاه کنیم، حداقل در بندهای زیر احراز صلاحیت ایشان زیر سؤال می‌رود:

۶. مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.

قانون اساسی از مبانی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید. در مقدمه قانون اساسی قید شده است که التزام به سخنان رهبری از ویژگی‌های مسئولان کشوری و لشکری می‌باشد. به نظر می‌رسد ایشان در مصادیقی هم‌چون:

- عدم برائت از فتنه‌گران سال ۸۸ که رهبری بر این موضوع تأکید داشتند.
- در مواضع نسبت به رابطه با آمریکا در

دوران ریاست جمهوری‌شان و حتی بعد از آن

• در مواضع نسبت به مردم اسرائیل که آنان را به رسمیت شمرده‌اند.

• عدم وجود گفت‌وگو با انقلاب که رهبری بارها به آن اشاره کرده‌اند.

• و...

مخالف و در تضاد با رهبری جهت‌گیری داشته‌اند و این در حالی است که طبق قانون اساسی، جهت‌گیری کلی نظام با مقام معظم رهبری می‌باشد.

۵. دارای حسن سابقه و امانت و تقوی.

حسن سابقه آقای هاشمی در حمایت‌های دشمنان آشکار جمهوری اسلامی ایران زیر سؤال می‌رود. حمایت‌های آشکارا و نمایان رادیوهای بیگانه و افرادی هم‌چون مسعود رجوی در مجامع گوناگون نشان از عدم حسن سابقه ایشان است.

همچنین امانت‌داری ایشان در مصرف بیت‌المال در دوران ریاست جمهوری‌شان مورد انتقاد است. با این دلیل که سیاست ایشان در اداره کشور مبتنی بر اشرافی‌گری و تأمین کردن مدیران خود با ارائه حقوق‌ها و مزایای زیاد بوده است و این خلاف شیوه مدیریت اسلامی می‌باشد.

دلایل بسیار دیگری نیز مطرح می‌باشد که ممکن است نظر نویسنده غافل مانده باشد، اما با همه این دلایل، یک ویژگی اساسی برای اعضای شورای نگهبان مد نظر است و آن حفظ نظام است که از آن تعبیر به مصلحت می‌کنند. ممکن است آقای هاشمی فاقد برخی شرایط ماده ۵۳ قانون انتخابات باشد، اما چون دلیلی با حساسیت بالاتر وجود دارد، طبق قاعده‌ی ترجیح اهم بر مهم، ممکن است ایشان را به عنوان نامزد صالح انتخابات معرفی کنند؛ که البته بازهم تشخیص بر عهده شورای نگهبان می‌باشد. به عبارتی باید گفت، نه تنها در این نظام، بلکه در هر نظامی، پایگاه احراز صلاحیتی وجود دارد که نظام جمهوری اسلامی ایران آن را شورای نگهبان می‌داند.

## پنجمین کارت قرمز

کسی را که می‌خواستند دوره ریاست جمهوری‌اش را تمدید کنند، مردم در پایان دوره‌اش «نه» بزرگی به او گفتند. در آن سال شاید هیچ‌کس فکرش را هم نمی‌کرد که عالی‌جناب سیاستمداران از مردم کارت قرمز بگیرد. اما او که رنگ کارت مردم را ندیده بود و خود را به کوررنگی زده بود برای مجلس وارد انتخابات شد و باز هم با «نه» مردم روبرو شد. هاشمی «نه»‌های مردم را به پای مقابله‌اش با جریان اصلاح‌طلب خیال کرد. در ادامه روند جدیدش این بار به امید روی خوش مردم وارد کارزار انتخابات شد، اما باز هم مردم برای سومین دفعه کارت قرمز را به وی نشان دادند.

وی باز هم پیام مردم را فهم نکرد و این بار با تمام تجهیزات وارد انتخابات ۸۸ شد. انتخاباتی که با سخنرانی‌های آقازاده‌ها داغ شد و آتشش با «نامه بدون سلام و والسلام» گر گرفت؛ آتشی که ۸ ماه طول کشید تا به آرامش برسد. در انتخابات ۸۸ نیز کارت قرمزی گرفت و البته واکنش مردم به آتش‌افروزی‌ها در آن روزها دیدنی بود. آیا

هاشمی - که از صحبت‌هایش بر نمی‌آید که پیام مردم را فهمیده باشد - دوباره آمده است تا این بار دیگر مردم نه تنها برای پنجمین بار کارت قرمز را به وی نشان دهند بلکه دیگر به «مرگ سیاسی» دچار شود؟

سخن از آرامش رفت. آرامشی که همین اطرافیان امروز جناب آیت‌الله (ع) هشت ماه از مردم گرفتند و به کابوسی برای مردم تبدیل کردند. آرامشی که رهبری بارها بر آن تأکید نمودند. امنیت روانی و آرامش است که می‌توان در گرو آن به حماسه سیاسی و اقتصادی رسید. باید دید، آیا کسانی که با شعار برای تحقق «حماسه سیاسی» و در پی آن «حماسه اقتصادی» به میدان پای نهاده‌اند؛ پای حرفشان خواهند بود و به مردمی که فریادشان را می‌زنند پشت خواهند کرد؟ به مردمی که آرامش می‌خواهند؛ عمل به قانون می‌خواهند و تنها در صورت امنیت است که می‌توانند به خواسته‌هایشان برسند. مردمی که دیگر برای آن‌ها «دوره‌ی سازندگی» تمام شده است؛ دوره‌ای که «تکنوکراسی» در راس امور بود و حاصل آن، جدا شدن هر چه بیشتر راهبردها از آرمان‌های انقلاب بود.

مردم به انقلاب دل بسته‌اند و هنوز برای آن جان‌فشانی می‌کنند. دیگر حنای کسی که راهش دور شدن از آرمان‌های انقلاب است، پیش مردم رنگی ندارد. مردم به کسی اعتماد می‌کنند که به دنبال آرمان‌ها باشد...



### ویژه نامه انتخاباتی گفت‌وگو با انقلاب اسلامی؛ فتح

ماهنامه فرهنگی-سیاسی حیات | بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام

مدیرمسئول: سید مرتضی احمدزاده / جانشین مدیرمسئول: سید محمدحسین هاشمی گلپایگانی  
 سردبیر: محمدحسن فیضی پور / همکاران این شماره: مجید صادقی، سید محمدحسین ضیایی بافقی، محمد قائمی راد، علی سلیمانی، محمد مهدی سیفی / گرافیک: مسعود حسنلو